

کتاب‌شناسی

زیر نظر مظفر بختیار

برخی از تراجم آثار سانسکریت بفارسی

دکتر شهریار نقوی

استادیار دانشگاه اصفهان

میلاد بوده است اما اکنون با شواهدی که در نتیجه اکتشافات جدید و حفاریهای فیر در موهنجودارو، هاراپا، کوت ديجی و سایر نقاط تمدن باستانی در پاکستان غربی بدست آمده است محققین باستان‌شناس و ماهرین علم تاریخ‌زمان دوره اول آثار ادبی سانسکریت را که وداها میباشد متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد مسیح میدانند.

درباره محتویات وداها تفاسیری نوشته شده. تفاسیری که پیرامون مراسم عبادات نگارش یافت با اسم «براهمنها» نامیده شد و تفاسیری که در مورد مطالب فلسفی مرقوم گردید به «اوپنشادها» معروف گشت. دوره اول آثار سانسکریت که دوره وداها و شامل مباحث مذهبی و فلسفیهست تا قرن پنجم پیش از میلاد امتداد داشت. بعد از آن زبان و ادبیات بسومیان سابق هندوستان که قبل از هجوم و استیلای آریائی‌ها در آن مرز و بوم سنگنی داشتند و با اسم دراویدهامعروف بودند، با ادبیات و افکار برائی‌ها نفوذ قابل ملاحظه‌ای در سانسکریت ودائی بجا گذاشت در نتیجه تغییراتی در آن بوقوع پیوست. آثار دوره دوم سانسکریت که شامل صحنه وسیعی از تصنیفات و تالیفات پر ارج در زمینه‌های گوناگون علم و دانش و هنر از جمله حماسه‌ها و نمایشنامه‌ها و داستانهای اخلاقی

در بین اقوامی که دارای تاریخ قدیم و تمدن کهن بشمار می‌روند از قبیل چینی‌ها، مصریها بابل‌ها، ایرانیان و هندیان و امثال آنان، هندیها بعلمت اینکه ادبیات باستانی و آثار علمی و ادبی کهنسال نیاکانشان بر اثر حوادث روزگار آسیبی ندیده و مصون و محفوظ مانده و هنوز عظمت دیرینه اندیشه‌های تابناک رفتگان و گذشتگان را با کمال فصاحت بازگو میکند در مقابل سایر ملل عتیق امتیازی خاص دارند.

گنجینه‌های علمی و شاهکارهای ادبی هند قدیم که غالباً منظوم است و در مقدار زیادی بیادگار مانده و کاخ مجلل آن با نقش و نگار شکفت‌انگیز نبوغ و استعداد سازندگانش را بخوبی متجلی و دیدگان جهانیان را بکلی خیره می‌سازد در قالب‌زبان سانسکریت ریخته شده و بنام وداها^۱ و ادبیات کلاسیک سانسکریت معروف جهان میباشد.

در مورد تعیین زمان دوره اول آثار سانسکریت که عبارت است از چهارودا: ۱- ریگودا^۲ ۲- یجورودا^۳ ۳- سامودا^۴ - آثار اوادا؛ در بین دانش‌پژوهان اختلاف نظر وسیعی وجود داشته است گروهی از آنان در سابق دوره اول آثار سانسکریت را متعلق به هزار سال قبل از میلاد مسیح میدانستند. جمعی عقیده داشتند زمان بوجود آمدن آن هشت تا شانزده هزار سال پیش از

۱- سانسکریت بمعنای تکامل یافته و مهذب شده است. خط «دیوناگری» آن از چپ بر راست نوشته میشود.

۲- ودا بمعنای دانائی و کتاب دانش است.

۳- ریگ ودا قدیمی‌ترین قسمت از چهار ودا شامل ده کتاب و ۱۰۱۷ منظومه است که تعداد مجموعی ابیات چهار مصرعی آنها در حدود ۱۰۵۰۰ بیت میباشد و متضمن سرودهای دلپذیر و عارفانه‌ایست که برای نیایش مظاهر طبیعت و خطاب به زب‌النوع‌های متعددی مانند «اندرا» (رب‌النوع جنگ و آب و باران) «مترا» (رب‌النوع روشنائی و تندستی) «سوتیار» (رب‌النوع خورشید) «اگنی» (رب‌النوع آتش) و امثال اینها سروده شده است. سه ودای دیگر تکمله همان ودای اول ریگ ودا هستند و گوینده طرز زندگی و نحوه فکری آریاهائی میباشد که در هزاره دوم پیش از میلاد وارد سرزمین شبه قاره شدند.

و اجتماعی و آثار عرفانی و فلسفی و امثال اینها میباشد زائیده همین نفوذ افکار و نگارشات بومیان سابق هند و بوداییان به سانسکریت و دانی محسوب میگردد.

دوره دوم آثار ادبی و علمی سانسکریت بدوره سانسکریت کلاسیک معروف است و غالباً متضمن مطالب دنیوی و رومانیک می باشد. از برجسته ترین آثار این دوره اشعار حماسی است و «مهاباراتا» و «رامایانا» دو حماسه بزرگ ملی و مذهبی هندوان در همین دوره نوشته شده است. پس از این حماسه ها «پوران» که مجموعه های تعلیماتی و آموزنده است تألیف یافت در این مجموعه ها بطور کلی راجع به میتولوژی، کارهای خارق العاده رب النوعها و مبارزه بین آنها و ارواح پلید و شیاطین بحث شده است. کتب قوانین «سمرتی ها» نیز با این مجموعه ها ارتباط داشت و آن شامل ۱۸ کتاب بوده است و «مانوسمرتی» یعنی قوانینی که بوسیله «مانو» وضع شده مهمترین آنها بشمار میرود. شاعر عالی مقام بنام کالیداس که طبق نظرات عده ای از مورخان در زمان سلطنت شاهان گوپتا (قرن سوم و چهارم میلادی) می زیست نبوغی فراوان داشت و در توصیف احساسات بشری و بکار بردن تشبیهات بسیار زیبا مهارت زاید الوصفی را از خود نشان داد یکی از آثار او «مگه دوتا» از نظر تازگی مطالب و اصالت و زیبایی تخیل و مهارت فوق العاده شعری که در آن بکار برده شد معروفیت جهانی دارد و همانند سایر آثار گرانمایه سانسکریت بزبانهای متعدد دنیا ترجمه شده است.

آثار کلاسیک سانسکریت شامل هزاران نمایشنامه و داستان است و تعداد زیادی از آنها بسیار جالب و پر ارزش است. بخصوص نمایشنامه کالیواس بنام «شکنتلا» و همچنین نمایشنامه ای بنام «اوتاررام چارتیا» اثر بهو ابوتی فوق العاده شیوا و زیباست و اینها نیز باغلب زبانهای زنده جهان برگردانیده شده اند.

مهمترین خدمت هند به ادبیات جهانی بوسیله افسانه های عامیانه مانند «پنجاتانترا» (کلیله دمنه) «هیتوپدشا» و «شو کاسا تپاتی» انجام گرفته و تعلیمات

اخلاقی و عرفانی و مثلها و فلسفه اجتماعی و راهنما. نیهای حکیمانه در مورد زندگی و سایر مباحث سودمند راجع به اجتماع بشری در آن افسانه ها منعکس گردیده است.

دانش هندوان و اطلاعات آنان در علوم قدیمه بویژه ریاضیات طب و نجوم نیز به معیار بلندی قرار داشت و مورد توجه پادشاهان ساسانی واقع گردید و آنان عده ای از علماء و پزشکان هندی را در مرکز بزرگ علمی گندی شاپور بآموختن اصول طب هندی گماشتند و تعدادی از آثار و کتب آنان که به سانسکریت بود به پهلوی ترجمه شد. این ندیم در «القهرست» در این مورد چنین می گوید: «... تا آنکه اردشیر بن بابک از خاندان ساسان پادشاهی رسید و آن پراکندگیها و جدائیها را مبدل به اتحاد و یگانگی نموده و دشمنان را سرکوب کرده و بر شهرها استیلا یافته و مردم را بدور خود جمع کرده و آن تعصب و دسته بندیها را از میانشان برداشت و همینکه زمام کلیه امور را بدست گرفت مردمانی را بهندوچین و روم فرستاد تا از تمام کتابهایی که نزدشان بود نسخه برداری نمایند... و پسرش شاپور نیز پس از وی همین رویه را دنبال نمود تا آنکه تمام آن کتابها بیارسی و بهمان صورتی درآمد که در زمان هرمس بابلی پادشاه مصر بوده... و پس از او کسری نوشیروان نیز برای علاقه و محبتی که بعلم و دانش داشت به جمع و تألیف آن کتابها پرداخته...»

این ندیم زیر عنوان نام کتابهای هند در افسانه و اساطیر و احادیث گوید: «کتاب کلیله و دمنه و گویند هیجده باب است، عبدالله بن مقفع و دیگران آنرا ترجمه کرده اند و بشعر هم درآورده شده... و شاعران ایرانی این کتاب را بشعر درآورده اند و از فارسی عبری ترجمه شده است. و از این کتاب مجموعه ها و منتخباتی است که ساخته گروهی مانند ابن مقفع و سهل بن هارون و سلم رئیس بیت الحکمه و مرید الاسود بوده و این شخص آخری را متوکل در دوران خود از فارس خواسته و از کتابهای آنان است: کتاب سندباد الکبیر، کتاب سندباد الصغیر کتاب البید، کتاب بوداسف و بلوهر

و کتاب بوداسف بتنهائی، کتاب ادب‌الهند والصین، کتاب هابل فی‌الحکمه، کتاب الہند فی قصہ ہبوط آدم علیہ السلام، کتاب طرق، کتاب دیک الہندی فی الرجل والمرثہ، کتاب حدود منطلق الہند، کتاب سادیرم، کتاب ملک الہند القتال والسیاح، کتاب شاناق فی التددیسر، کتاب اطرافی الاشریہ. کتاب بیدافسی الحکمہ. (۵) و همچنین ابن ندیم زیر عنوانین «نام کتابهای ہند در طب» و نام کتابہائی کہ ایرانیان و رومیان و ہندیان و عرب در مواعظ و آداب و حکم تالیف کرده اند» و «کتابہائی کہ در سمیات و داروسازی تالیف کرده اند»، تعداد قابل ملاحظہ ای از کتب سانسکریت را بر شمرده کہ عربی ترجمہ شدہ است. و طبق نگارش ملک الشعراء بہار کتب ہندی نیز بوسیلہ اساتید ہندی کہ در دربار اسلام استخدام شدہ بودند اول بفارسی ترجمہ می شد، سپس از فارسی عربی درمی آمد.

بدین ترتیب معلوم میشود کتب سانسکریت در تعداد قابل ملاحظہ ای در زمان سلطنت ساسانیان و بعد از آن در عصر عباسیان نیز بہ پهلوی و عربی ترجمہ شدہ و در گسترش علوم و معارف اسلامی سہم بسزائی داشته است.

ظاہراً شعلہ وجود سانسکریت هنوز ہم بوسیلہ عدہ ای از دانشمندان علاقمند فروزان نگہداشته شدہ است و حتی در قرن نوزدهم میلادی نیز صدوہشتمین «اوپانیشاد» بنام «اللہ اوپانیشاد» در آن زبان بوجود آمد ولی در نزد عدہ زیادی از صاحب نظران در جگہان سانسکریت پس از استقرار حکومت مسلمانان در ہند در قرن یازدهم میلادی از رواج سابق افتاد و پیشتر از آن دچار رکود گشت و اکنون آنہم جزو زبانہای گذشتہ محسوب میشود.

تسلط مسلمانان فارسی زبان بر سرزمین پهنساور شبہ قارہ سرچشمہ تحولات عظیمی در تمام امور زندگی اہالی آن ممالک گردید ازجملہ رواج فارسی و اشاعہ دین و فرهنگ اسلامی مسیر فکر و بیان ہندوان را نیز تحت تأثیر قرار داد. عربی و فارسی در مقابل ہر زبان دیگری در آن دیارہا بہ پیشرفتہای بیشتری

نایل گردیدہ و مورد پشتیبانی دولت نوینی واقع شدند و در نتیجہ سانسکریت و سایر زبانہای محلی کہ از آن زبان انشعاب یافتہ بودند در مقابل زبانہای مذہبی و فرهنگی نوواردان تحت شعاع قرار گرفتند و از سر - پرستی حکومت محروم ماندند ولی ہنگامیکہ سلاطین مسلمان بخصوص اکبر شاہ (۱۶۰۵ - ۱۵۵۶ میلادی) بہ ارج حقیقی و ارزش واقعی آثار سانسکریت آگاہی یافت و مطلع شد کہ چہ گنجینہ های ذیقیمتی و ذخایر پر ارزشی در زمینہ اغلب دانشہای انسانی و علوم عقلی و نقلی بشری مانند الہیات، عرفان، تصوف، فلسفہ، ریاضیات، نجوم پزشکی، حقوق، اخلاق، حکمت، موسیقی و غیرہ در کتب آن زبان نہفتہ است در صدہ برآمد زبده آثار سانسکریت را مطالعہ کند.

شاهنشاہ جلالدین اکبر بنا بہ سرگذشت عجیبی کہ از دوران کودکی با آن مواجه شد نتوانست بتحصیل پردازد اما بکسب دانش علاقہ ای مفرط داشت و بمنظور جبران نقیصہ فقدان تحصیل هموارہ اشخاص فاضلی را مأمور میکرد تا آنہا کتب مورد علاقہ اش را از کتابخانہ وی کہ دارای دہ ہزار کتاب نفیس بود بگیرند و در حضور وی بخوانند. او برای دست یافتن بہ ثروت هنگفت علمی ملت کهنسال ہند و از درباریان خود کہ در فضل و دانش یکتای روزگار بودند مانند ابوالفضل، فیضی، عبدالقادر بدایونی، نقیب خان، محمد سلطان تہانیسری و امثال اینہا خواست تا آثار پر ارج سانسکریت را با کمک ہندوان فاضل و سانسکریت دانان وقت بفارسی ترجمہ کنند.

پیش از اکبر شاہ نیز کتب متعددی از آثار سانسکریت بفارسی برگردانیدہ شدہ بود. بطور مثال چنانکہ قبلاً مذکور افتاد کلیہ و دمنہ در زمان ساسانیان از ہندوستان بایران بردہ شد و در آنجا اول بہ پهلوی و بعد عربی و مجدداً از عربی بفارسی ترجمہ شد.

در قرن ہشتم میلادی حکیم «ماناکا» کہ بدعوت خلیفہ ہارون رشید بہ بغداد رفت برای یحیی بن خالد برمکی کتاب طبی تالیف «چاناکایا» وزیر دانشمند چندرگپت موریہ را بفارسی ترجمہ کرد. در اوایل قرن

۶- همان کتاب، ص ۵۳۶
۸- سبک شناسی، جلد اول، ص ۱۵۷

۵- همان کتاب، ص ۵۴۲
۷- همان کتاب، ص ۵۵۹

یازدهم میلادی بعضی از مطالب سانسکریت را با بوریجان بیرونی بقالب عربی ریخت که بعداً به فارسی نقل شد. همچنین در زمان فیروزشاه تغلق پادشاه دهلی (۸۸ - ۱۲۵۱ م.) تعدادی از کتب سانسکریت که در فتح شهر «نگرکوت» بدست فیروزشاه افتاد بفارسی ترجمه شد.^۹

اکبرشاه بهمه ادیان و مذاهب و اقوام و ملل و فرق هندوستان صمیمانه علاقمند بود و با توجه به مصالح سیاسی مملکتی چنین پهناور و عظیم نیز برای او لازم بود در راه ایجاد هم‌آهنگی فکری و اتحاد و اتفاق عملی در بین تمام طبقات و دسته‌های مردم و گروه‌های قومی و نژادی و مذهبی ماعسی خویش را مبذول دارد. او در بین فاضلان و دانشمندان فرق مختلف دینی مباحثاتی برگزار میکرد و از بیانات آنان بهره‌ور میشد. او بیش از هر نظر دیگری بنا بر عشق مفرطی که بدان‌ها و کسب آن داشت امر بترجمه نمودن آثار سانسکریت بفارسی صادر فرمود و در پایان او در امتثال امر وی بجان و دل کوشیدند و در نتیجه مطالب تعدادی از آثار آن زبان کسوت فارسی ببرکرد و اندیشه‌های تابناک پیشوایان و نیاکان هندو بشکل تازه‌ای تجلی نمود، (پس از مدتی همان تراجم فارسی بوسیله اردوزیانیان برگردانیده شد).

پس از اکبرشاه جانشینان وی که عبارت بودند از: نورالدین محمد جهانگیر، شهاب‌الدین محمد شاه جهان، محیی‌الدین اورنگ زیب عالمگیر و دیگران نیز به گسترش علوم و دانش پرداختند و از دانشمندان و فضلای سرپرستی نمودند و در نتیجه کار ترجمه کتب سانسکریت بفارسی در زمان آنها نیز ادامه داشت و بدین ترتیب تعداد قابل ملاحظه‌ای از آثار سانسکریت در هندوستان بفارسی ترجمه شد.^{۱۰}

با ترجمه شدن آثار سانسکریت بفارسی حاصل افکار عارفانه و فیلسوفانه و نتایج تفحصات و تجربیات متفکران و عارفان هندوستان که هزاران سال با عمق نظر بکسب فضیلت و بصیرت پرداخته بودند در

دسترس فارسی‌زبانان قرار گرفت و بدین ترتیب گنجینه‌های پرارزش علمی و عرفانی آن سرزمین که مسلماً در مقابل غنائیم لشکرگشایان بنام جهان ارج و مقام والاتر و قیمت بیشتری داشت بسرمایه فکری و ثروت دانش جهان فارسی افزوده شد. ولی تردید نیست تراجم فارسی از آثار گرانمایه سانسکریت بعللی بنحو شایسته‌ای مورد توجه فارسی‌زبانان قرار نگرفت و بویژه در وطن اصلی فارسی زیاد شناخته نشده است. نویسنده این سطور بمنظور گسترش دایره آشنائی فارسی‌زبانان با آنها تعدادی از آنها را در زیر معرفی می‌نماید.

۱- ریگ ودا (Rigveda)

ترجمه ۳۵۰ سرود مذهبی بوسیله پرفسور عباس مه‌رین شوشتری بعمل آمده ولی هنوز چاپ نشده است. پرفسور شوشتری در دانشگاه میسور هند رئیس قسمت فارسی بودند و صاحب تالیفات عدیده سودمند می‌باشند.

۲- آثار واودا (Atharva Veda)

یکی از چهاروید آریائی‌ها و شامل مراسم عمومی مردم و سحر و جادوست این کتاب بطوریکه در راهنمای سانسکریت نگارش پرفسور ایندوشیکهر (ص ۱۳) بیان شده، بعلت موضوعاتش که رنگ توهمات ذراویدی نیز دارند مدت مدیدی شناخته نشده بود و مردم برای آنان زیاد احترام و ارج قائل نبودند و حتی پیامبران آریائی آن را دارای مطالب اصیل نمیدانستند ولی این کتاب شامل اطلاعات مفیدی است درباره پیشرفت آریاها بطرف مشرق تا حدود بنگال و ترس آنان از بره‌های آن سرزمین. این کتاب سرودهایی راجع به علم پزشکی نیز دارد ولی در قسمت‌های آخر متضمن سرودهایی درباره سحر و جادوگری و ارواح خبیثه میباشد.

کتاب آثار واودا را نخست عبدالقادر بدایونی

۹- اهل هند کی مختصر تاریخ تألیف دکتر تاراچند سن ۲۱۷ چاپ اردو اکادمی دهلی

۱۰- غالب مترجمین آثار سانسکریت به فارسی کتب در نظر گرفته شده را خلاصه کردند و احیاناً اصول «خدما سفاروع» ماکدره را نیز ملحوظ داشته‌اند.

مؤلف تاریخ معروف «منتخب التواریخ» با کمک بهاون خان (نومسلم) ترجمه کرد ولی زیاد توفیق نیافت. پس از او حاجی ابراهیم سرهندی آن را بفارسی برگرداند و ترجمه‌اش را با اسم «اتاربان» نامید. ترجمه حاجی ابراهیم نیز مورد پسند اکبرشاه واقع نشد.

۳- اوپانیشادها (Upanishads)

چنانکه قبلا اشاره شد تفاسیر مطالب چهاروبید بدو قسمت تقسیم شده است ۱- تفاسیرها در مورد مطالبی راجع به عبادت و مراسم آن و چنین تفاسیر به «براهمنها» نامیده شد ۲- تفاسیرها درباره مطالبی مربوط به فلسفه و آن تفاسیر «اوپانیشادها» اسم گرفت. اوپانیشادها در واقع گوهرهای دانش بشری میباشند و سهم بسزائی در تکامل تدریجی فکر بشر دارند. اینها گنجینه‌های تفکرات عالی قدیمند که با پوششهای عارفانه آراسته شده‌اند. ۱۱ تعداد اوپانیشودها زیاد است ولی ۱۲ عدد بسیار قدیمی‌اند و سیزده عدد آنها متعلق به زمان کمی بعدتر است. در طی زمان تعداد اوپانیشادها افزون گشت و به ۱۰۸ عدد رسید و آخرین آنها چنانکه گفته شد در قرن نوزدهم میلادی نگارش یافت و عنوان آن الله اوپانیشاد است.

شاهزاده محمد داراشکوه فرزند ارشد شاهجهان پنجمین پادشاه سلسله گورگانی و فاضل‌ترین فرد آن خانواده سلطنتی بدستیاری چند تن از علمای هند و در سال ۱۰۶۷ هجری مطابق ۱۶۵۶ میلادی در حدود پنجاب اوپانیشاد را بفارسی درآورد و آن ترجمه اولین بار بسال ۱۹۱۲ میلادی در سه جلد در شهر چیلور (راجستھان) بچاپ رسید. در سال ۱۸۰۱ م. همین ترجمه داراشکوه را که به سراکبر نامیده شد جوانی فرانسوی بنام انکتیل دپرون به لاتین و فرانسه برگرداند و بطبع رسانید. ترجمه لاتین دپرون در سال ۱۸۸۲ میلادی بزبان آلمانی نقل شد و همین ترجمه‌ها موجب معرفی ادبیات کهنسال هندوان در مغرب زمین گردید و از آن پس خاورشناسان اروپا و جهان متوجه سانسکریت

و گنجینه‌های ادبی آن شد و بآموختن و مطالعه آن زبان و ادبیات پرداختند. بدین ترتیب ترجمه فارسی اوپانیشاد در زمینه هندشناسی و آغاز تحقیق و تفحص پیرامون علوم و ادبیات و فرهنگ قدیم هندوستان از جانب خاورشناسان اهمیت بسزائی داشته است.

سراکبر (ترجمه اوپانیشاد بقلم داراشکوه) با مقدمه و حواشی و تعلیقات و لغتنامه و اعلام بسعی و اهتمام دکتر تاراچنداستاد فلسفه و تاریخ و سفیرکبیر سابق هند در ایران و سیدمحمدرضا جلالی نائینی دانشمند ایرانی در سال ۱۳۴۰ خورشیدی برابر ۱۹۶۱ میلادی در ۸۴۰ صفحه در تهران انتشار یافته است. جناب آقای دکتر رضازاده شفق استاد بزرگوار دانشگاه تهران نیز «گزیده اوپانیشدها» را که ترجمه فارسی ایشان از ترجمه انگلیسی هیوم (Robert Ernest Hume) است ۱۲ با مقدمه و حواشی سودمند و فهرست لغات بطبع رسانیدند. این ترجمه بوسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران در سال ۱۳۴۵ خورشیدی برابر ۱۹۶۶ میلادی در ۵۰۰ صفحه چاپ گردیده است. استاد شفق در معرفی اوپانیشاد و در پشت جلد ترجمه خود چنین نگاشته‌اند: «اوپانیشدها شامل مباحث فلسفی و دینی و قسمتی از کتاب ویدا، و نیز اذکار و سرودهای خدایان و برهمنان و شرح آئین قهرمانی هندوان و جز آن است این کتاب که در حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد یعنی حوالی ظهور مذهب بودا تألیف شده از معنی و هدف زندگی و غایت جهان و ارتباط بشر با نیروهای نامرئی عالم و نظایر آن گفتگو میکند. در واقع اوپانیشدها نخستین تألیف از افکار فلسفی مرتب هندوان و مبنای فلسفه هند از آغاز تا کنون و منع‌الهام عارفان جهان و مورد توجه همه فرق حتی ما دیون و پیروان بودا بوده است. از فلاسفه مغرب زمین شوپنهاور، انکتیل دپرون و دولسین آنرا حائز اهمیت دانسته‌اند. پروفیسور دولسین معتقد است که «امروز اوپانیشدها نسبت به هر هندوی برهمن حکم انجیل عیسویان را دارد. عارفان هند این کتاب را

۱۱- بنا بر گفته «شوینهاور» حکیم آلمانی: در جهان هیچ چیز باندازه تحقیق در متن اصلی اوپانیشادها سودمند و موجب ارتقای روح نیست (نقل از پیش‌گفتار اوپانیشاد ص ۳ چاپ تهران بوسیله و باهتمام دکتر تاراچند و سید محمدرضا جلالی نائینی)
۱۲- ترجمه ۱۳ اوپانیشاد بانگلیسی که بوسیله هیوم محقق سانسکریت و استاد سابق دانشگاه علوم دینی در نیویورک صورت گرفت بسال ۱۹۲۱ میلادی بچاپ رسید.

کتابی جهانی می‌دانند او به نشده‌ها به زبانهای معروف دنیا ترجمه شده است.»

۴- مهابهاراتا (Mahabharata)

چنانکه قبلا اشاره شد پس از زمان ودا زبان سانسکریت در اثر نفوذ زبان جنوب هند بسیار تغییر یافت و تمدن آریائی در زمان دین بودا با تمدن بومیان سابق هند آمیزشی پیدا کرد. در چنین تحولات در شمال هند ادبیات جدیدی بوجود آمد و «مهابهاراتا» مجموعه حماسی از افسانه‌های تاریخی هند هیجده فصل و بیش از صدهزار بیت شعر دارد و بعضی‌ها آنرا شاهنامه هند و عده‌ای آنرا حماسه ایلپاد وادیسه آن کشور می‌نامند. همچنین «رامایانا» از گلهای سرسبد آن نوع ادبیات است که کلاسیک بشمار میرود. مهابهاراتا ۱۳ کتابی بسیار بزرگ و بی‌مثل است و مانند شاهنامه فردوسی تاریخ تمدن هند را از ابتدا شرح میدهد. سراینده آن ویاس (Vyasa) حکیم و دانشمند معروف است که علاوه بر مهابهاراتا ۱۰۸ پورانای دیگر نیز تصنیف کرده که پیوسته مورد ستایش صاحب نظران بوده است. اشعار مهابهاراتا بسیار فصیح و بلیغ است و در آن تأثیر عمیقی از زیبایی‌های طبیعت بچشم می‌خورد.

داستان اصلی مهابهاراتا درباره جنگی است که در شمال هند (دهلی) بین دو قبیله بنام «پنجال‌ها» و «کوروها» که پسرعموهای یکدیگر بودند تقریباً دوهزار سال پیش از میلاد مسیح در گرفته است. کوروها صد نفر و اولاد یکنفر نابینا بودند و پنجال‌ها «پاوندوها» فقط پنج برادر ولی افراد با ایمان راستگو دلیر و نیکوکار بودند. در راه پس گرفتن حق خویش و استیصال بدیها، پاوندوها براهتمائی سری کرشنا علیه کوروها صف آرایی کردند و مخالفین و متحدین آنان را بقتل رسانیدند و سپس کناره‌گیری کرده بوجه جنگل‌ها رفتند تا برای بخشوده شدن گناهان از خدای بزرگ خویش طلب آمرزش کنند و بعد از آن در کوههای پر

برف‌هیمالیا در گذشتند. در حدود چهارینجم مهابهاراتا مربوط به داستانها و حوادث قدیم است که سرچشمه بعضی از آثار معروف سانسکریت مانند بهاگوت‌گیتا، شاکونتالا، نلادمنیتی، و امثال اینها که شهرت جهانی دارند گشته و الماهام بخش شعرا و نویسندگان بعدی قرار گرفته است. عقیده هندوان درباره این حماسه اینست که چیزی در دنیا نیست که در این کتاب نباشد و چیزی در این کتاب نیست که در دنیا وجود ندارد.

در سال ۹۹۰ ه. جلال‌الدین اکبر خواست مهابهاراتا تا بفارسی ترجمه شود. علمای هندو دعوت شدند تا اطلاعات بیشتری در اختیار اکبر بگذارند و از آن پس به نقیب‌خان کار ترجمه آن کتاب محول گردید. ملا عبدالقادر بدایونی نیز برای انجام ترجمه آن مأموریت یافت و پس از چهار ماه کوشش ۱۸ باب بفارسی منتور برگردانده شد. قسمت‌های دیگر را ملاشیری، نقیب‌خان و حاجی سلطان تهنیسری با تمام رسانیدند. بدین ترتیب ترجمه مهابهاراتا با تشریح مساعی عده‌ای از درباریان اکبر بوقوع پیوست و اکبر شاه آن را «رزم‌نامه» نامید و تعداد زیادی از صحنه‌های جنگ مهابهاراتا با مراکبرشاه بوسیله نقاشان دربار او نقاشی شد. ابوالفضل مقدمه‌ای بر آن افزود و بطوریکه در آخر آن مقدمه ذکر شده است کار ترجمه این حماسه بزرگ هندوان در سال ۹۹۵ ه. اتمام یافت.

ترجمه‌ها: ترجمه‌ای بنثر فارسی بوسیله داراشکوه پسرشاه جهان و برادر اورنگ زیب عالمگیر (قسمتی از آن در کتابخانه دیوان هند موجود است).

ترجمه‌ای منظوم بفارسی توسط حاجی ربیع‌انجب. ترجمه‌ای بفارسی توسط ملا احمد کشمیری که وقایع کشمیر نیز نوشته است انجام گرفت. فیضی فیاضی ملک‌الشعرا دربار اکبر شاه و برادر ابوالفضل علامی بر «رزم‌نامه» دو باب منظوم افزود. مقدمه‌ای بر مهابهاراتا مطابق تحریر فهرست کتب

۱۳- کلمه «مها» پیشوند است و بمعنای بزرگترین بکار برده میشود مانند: مهاآتما (بزرگترین روح) مهاراجا (بزرگترین راجا) مهاشتر (بزرگترین ایالت) و امثال اینها. کلمه «بهاراتا» بمعنای کشور هند است چنانکه الان هم نام رسمی آن مملکت «بهاراتا» میباشد بعلاوه اینکه داستان اساسی آن حماسه متضمن شرح جنگ بزرگ هند است به اسم مهابهاراتا نامیده شده است.

چاپی بریتانیا (۵۷ - ۵۶) و فهرست کتب چاپی کتابخانه دیوان هند (لندن) در سال ۱۸۹۷/۱۹۰۰ میلادی انتشار یافته است.

۵- رامایانا (Ramayana)

حماسه دیگر دینی هندوان که یکی از بزرگترین آثار ادبی جهان بشمار میرود و در آن اطاعت از بزرگان، زندگی کمال مطلوب خانوادگی و ارتباط تحسین انگیزی میان پدر و پسر مادر و فرزند وزن و شوهر به حد اعلائی زیبایی کلام درس داده شده است تقریباً در ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بوسیله گوینده‌ای توانا بنام والمیکی (Valmiki) سروده شده است. رامایانا که از حیث اهمیت احترام و ارزش همپایه مهابهاراتاست حاوی ۲۴۰۰۰ بیت (اشلوکا) میباشد.

داستان اصلی متعلق به رام (Rama) پسر دشرت پادشاه ایودھیا (Ayodhya) است و او در سراسر داستان بعنوان رب‌النوعی یاد شده و کارهای دلیرانه و قهرمانانه وی مورد ستایش پیروان دین هندو قرار گرفته است. خلاصه داستان عبارت است از اینکه: راجا دشرت با دختری جوان از اهالی نواحی غربی هندوستان ازدواج کرده بود. این زن میخواست برخلاف سنن دیرینه راجگان بجای پسر ارشد راجا که رام بود پسر خودش را جانشین وی سازد. با دسیسه و توطئه این زن نقشه خودش را عملی ساخت. راجا دشرت در نتیجه صدمه این دسیسه مرد و پسر و اما همکار او زن و یکی از برادرانش به جنگل تبعید شد.

راما در جنگلهای وسط هند بسر میبرد. راجا سیلان زن زیبایش سیتا را دزدید ولی بالاخره راما پس از جنگ علیه راجای سیلان وی را آزاد ساخت و پس از چهارده سال تبعید به ایودھیا برگشت حق خودش را دریافت و پادشاه شد و دنیا را از بدی‌ها نجات داد.

این داستان بسیار شیوا را بیش از بیست نفر از سانسکریت بفارسی ترجمه کرده‌اند:

عبدالقادر بدایونی بامثال امر شاهنشاه اکبر در سال ۹۹۵ هجری ترجمه رامایانا را شروع کرد و در سال ۹۹۹ پادشاه تقدیم نمود:

اتمام ترجمه رامایانا موجب کمال خرسندی اکبرشاه گردید (نسخه خطی آن در کتابخانه‌های دیوان هند و بادلین لندن موجود است).

ترجمه دیگر بنام رام و سینا که منظوم بوده است در زمان سلطنت جهانگیرشاه بوسیله شیخ سعدالدوله مسیح (یا مسیحا) خیرانوی پانی پتی صورت گرفت (نسخه خطی آن در موزه بریتانیا و کتابخانه دانشگاه بمبئی و شیرانی کلکسیون لاهور نیز موجود است). ترجمه دیگر در زمان سلطنت جهانگیرشاه بوسیله گردهرداس کالیسته دهلوی بسال ۱۰۳۳ ه. ترجمه شد و بشاهنشاه وقت هدیه گردید.

ترجمه دیگر بوسیله دیبی داس کایته در قرن بسال ۱۰۹۷ ه. توسط چندرمن پسر سری رام انجام گرفت.

ترجمه دیگر بنام «امربد پرکاش» در زمان سلطنت اورنگ زیب عالمگیر در سال ۱۱۱۷ ه. بوسیله امرسینگ منشی بعمل آمد.

ترجمه دیگر بوسیله دیبی داس کایته در قرن یازدهم هجری صورت گرفت.

ترجمه دیگر که منظوم بود بوسیله منشی منوهرسینگ در قرن نوزدهم میلادی بوقوع پیوست. نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود است.

ترجمه دیگر توسط راجیسوررا و متخلص به اصغر مؤلف کتب عمده‌ای بفارسی بعمل آمد، و بسال ۱۲۴۳ ه. در مطبع اختر دکن حیدرآباد انتشار یافت.

۶- بگ و ت گیتا (Bhagavad-Gita)

بگ و ت گیتا بمعنای «سرود الهی» قسمتی از حماسه بزرگ مهابهاراتاست و شامل مفاوضاتی میباشد که در هنگام پیش از آغاز جنگ مهابهاراتا در بین ارجونا و کرشنا رخ داده است. گیتا حاوی هیجده گفتار است و سرتاسر آن شامل مباحث فلسفی و مذهبی و اندیشه‌های عرفانی است. زمان تصنیف آن در بین پنج الی دو قرن پیش از میلاد تخمین زده شده است. گیتا را عده‌ای از علماء افتخار الهیات هندی و

۷- نل دمینتی (Nala Damayanti)

داستان جانگدازی از عشق و محبت که جزئی از حماسه دینی هندیون «مهابهاراتا» میباشد و یکی از دلاویزترین داستانهای عشقی جهان بشمار میرود. فیضی فیاضی ملک الشعرا دربار اکبرشاه این داستان را بسال ۱۰۰۳ بنام نل و دمن در چهار هزار و دوست بیت در بحر مثنوی لیلی مجنون اثر امیر خسرو دهلوی در ظرف مدت پنج ماه سرود ملا عبدالقادر بدایونی در تالیفش منتخب التواریخ ۱۵ از این اثر فیضی بسیار تمجید کرد. این مثنوی چندین بار در کلکته، لکنهو، و شهرهای دیگر هند بچاپ رسید. در تهران نیز بکوشش علی قویم بضمیمه شرح حال شاعر و تاریخچه شاهان تیموری هند در سال ۱۳۳۵ منتشر گردید.

پس از فیضی نل دمن را عشرتی اعظم آبادی در سال ۲۲ - ۱۸۲۱ میلادی بنثر فارسی برگردانید.

۸- شکونتلا (Shakuntala)

حکایت منظوم شکونتلا که آوازه آن سراسر جهان را فرا گرفته و سراینده آن کالیداس (Kalidasa) در زدیف زبده ترین گویندگان عالم قرار دارد از حماسه ملی هندوان مهابهاراتا اقتباس شده است.

در معرفی این داستان آقای علی اصغر حکمت در مقدمه ترجمه فارسی آن چنین نوشته اند:

«داستان شکونتلا» یا «انگستر گمشده» در ادب جهانی مرتبتی از ارجمند و آوازه ای بلند دارد. آن منظومه ای تحقیقی است که بسبب نمایشنامه «دراما» (Drama) که بهندی ناتا (Nataka) گویند در قدیم الایام بزبان کهنسال سانسکریت برشته نظم درآمده است و از شاهکارها و ذخائر ادبی آن زبان باستانی میباشد.

شهرت این منظومه از آن زمان شروع شد که در یکصد و هفتاد سال قبل دانشمندی انگلیسی بقدر و منزلت آن پی برد و آنرا از سانسکریت به انگلیسی درآورد، سپس در سراسر ممالک غرب منتشر گردید. لطافت کلام و ظرافت بیان و عمق معانی و رقت الفاظ

گروهی آن را عالی قدرترین اثری که در جهان بوجود آمده است میشمارند. این اثر در بین جهانیان چنان محبوبیتی ایجاد نموده که در تمام زبانهای زنده و بزرگ دنیا تعداد زیادی از تراجم آن بوجود آمده چنانکه در انگلیسی شاید در حدود ترجمه صورت گرفته باشد. بفارسی نیز چند نفر گیتا را ترجمه کرده اند.

اولین ترجمه گیتا بطور خلاصه توسط اشخاصی انجام شده که مهابهاراتا را با مر اکبرشاه بفارسی گرداندند.

ترجمه دیگر گیتا که بطور کامل صورت گرفت و نسخه خطی آن تاریخ ندارد به شیخ ابوالفضل و دارا شکوه منسوب است. بعضی ها آن را به دیگران نیز نسبت داده اند.

دو نسخه از ترجمه فارسی گیتا در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است و با اندکی تفاوت در سبک عبارت هردو یکیست. در آغاز هردو مترجم آنها شیخ ابوالفضل معرفی شده است ۱۴.

ترجمه منظوم گیتا بفارسی بوسیله پندت مهاراج کبش صورت گرفت و توسط مطبع کوه نور آگرا بچاپ رسید.

ترجمه دیگر که «مرآة الحقایق» نام دارد و بالاجاز ترجمه شده بوسیله عبدالرحمن پسر عبدالرسول ردولوی (متوفی ۱۰۹۴ ه / ۱۶۳۱ م) بعمل آمد. عبدالرحمن چهار کتاب دیگر نوشته از جمله مرآة المخلوقات است که ترجمه فارسی از سانسکریت است.

ترجمه دیگر بنام «نعمه ایزدی» توسط استادعباش مهربن شوشتری نیز صورت گرفته و آن برای دوم در ۳۱۲ صفحه بسال ۱۳۴۶ خورشیدی در تهران انتشار یافته است.

ترجمه دیگر بوسیله دکتر محمدعلی موحد بعمل آمده و در ۱۴۰ صفحه با مقدمه ای درباره مبانی فلسفه و مذاهب هند بسال ۱۳۴۴ در تهران طبع گردیده است.

۱۴- گیتا، ترجمه دکتر محمدعلی موحد ص ۱۶ چاپ نگاه نشر و ترجمه کتاب تهران.

۱۵- ج ۲ ص ۳۹۶

آن داستان منظوم که از بسیاری جهات شباهت به دراماهای کلاسیک یونان داشت آن شاهکار هنری را موجب اعجاب و مایه شگفتی دانشمندان اروپا قرار داد و آوازه آن در سراسر عالم ادب انتشار یافت.

این ناتاکا را شاعری هندو بنام کالیداس تألیف کرده است. از سرگذشت حیات و تاریخ قطعی زمان او اطلاعی در دست نیست ولی ظاهراً وی در حدود قرن چهارم میلادی در شهر اوجین (Ujjain) می-زیسته و معاصر با ایام سلطنت پادشاهی بنام سمودراگپتا (Samudra Gupta) بوده. این پادشاه مؤسس سلاله گوپتاها در اوایل قرن چهارم ۳۱۹ میلادی میباشد.

کالیداس غیر از منظومه شکونتلا دو نمایشنامه دیگر نیز تصنیف کرده که آنها نیز معروفیتی بسزا حاصل کرده‌اند و هر سه در تاریخ ادبیات سانسکریت مقامی رفیع دارند.

دکتر رابندرانات تاگور استاد شعر هندوستان در زمان اخیر بدرستی در وصف این منظومه باستانی گفته است که این داستان قصه و افسانه نیست بلکه یک برق باطنی و درخشی روحانی است که از عالم غیب بعرضه دل و زبان شاعر تابیده است. گوته شاعر آلمانی بعد از آن که ترجمه آن حکایت را مطالعه کرد گفت: «خواندن این منظومه بزرگترین حادثه عمر من است» و سپس یک رباعی در مدح آن انشاء فرمود.

خلاصه کلام آنکه در این نمایشنامه لطیف که میراث گذشتگان هندو است و افکار و اساطیر و داستانهای باستانی آن کشور باوصف احساسات و طبیعی بشری به زیباترین صورتی ترکیب یافته و در پرده نمایشنامه در دورنمای زندگانی هند قدیم مظاهر عشق و طهارت و عصمت و سلطنت و تقوی و فضیلت همه جلوه گر شده‌اند.

آقای علی اصغر حکمت سفیر کبیر سابق دولت شاهنشاهی ایران در هند شکونتلا را بنثر و نظم فارسی ترجمه کردند و با پیش‌گفتار دکتر سررادها کرشنان ریاست جمهوری سابق هند از طرف دانشگاه دهلی در سال ۱۹۵۷ میلادی ۱۳۳۶ خورشیدی در ۱۷۵ صفحه انتشار یافت.

ترجمه دیگر شکونتلا بفارسی منثور بوسیله شادروان دکتر هادی حسن رئیس پیشین بخش فارسی در دانشگاه علیگر به اختصار صورت گرفت و در سال ۱۹۵۶ میلادی در بمبئی بچاپ رسید.

ترجمه منثور دیگری از شکونتلا بوسیله دکتر ایندوشیکر استاد سابق سانسکریت و هندشناسی در دانشگاه تهران بعمل آمد و در سال ۱۳۴۱ خورشیدی در ۱۷۱ صفحه در تهران منتشر گردید.

۹- وکرم اروشی (Vikram Urvashi)

اثر دیگری از کالیداس پدیدآورنده آثارشگفت-انگیز سانسکریت که سحر بیان او موجب آمد آنچه امروزه از تصنیفات وی در دسترس ماست از قبیل: پیک ابر، تولد خدای جنگ، دودمان راگو، شکونتلا، و کرم اروشی، مالاویکاواگنی میترا باکمال حسن استقبال اربابان شعر و سخن جهان روپرو گردد. نمایشنامه وکرم اروشی نیز مانند داستان شکونتلا از حیث حسن کلام و آرایش و شیرینی بیان اهمیت بسزائی دارد و در آن حالات مختلف عشق و محبت بطور اعجازآمیزی منظوم گردیده است.

داستان وکرم اروشی مورد توجه همگی قرار گرفته و به زبان‌های بزرگ دنیا ترجمه شده است. ترجمه‌های فارسی آن بوسیله دکتر سید امیرحسن عابدی استاد فارسی در دانشگاه دهلی از روی متن ترجمه اردوی آن که بقلم مرحوم مولوی محمد عزیزمیرزا تهیه و در لکنهو بسال ۱۹۲۴ میلادی طبع گردیده بود صورت گرفته و در ۲۱۶ صفحه بضمیمه دیباچه‌ای از آقای محمد تقی مقتدری وابسته فرهنگی سابق دولت شاهنشاهی ایران در هند، و مقدمه مفصلی از مترجم مزبور از طرف شورای روابط فرهنگی هند - دهلی بسال ۱۹۵۹ میلادی انتشار یافته است.

۱۰- راگهو وامشا (Raghu Vamsha)

این هم اثر دیگری از آثار گرانمایه کالیداس است که درهند از زمان قدیم سلطان شعرای سانسکرین لقب داشته است. داستان راگهو وامشا را آقای محمد-تقی مقتدری عضو وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی

ایران هنگام برگزاری جشن یادبود هزار و پانصدمین سالگرد کالیداس که در سال ۱۹۵۸ میلادی از طرف دولت و مقامات فرهنگی هند برگزار شد بنام «دودمان راگو» با توضیحات و تعلیقات لازم بفارسی ترجمه نموده و بمقامات دولتی و فرهنگی هند تقدیم داشته است.

۱۱- سنگهاسن بتیسی (Singhasan Battisi)

مجموعه‌ای از داستانهای بسیار جالب است که متن اصلی آن بسانسکریت Sinhasandwatrishati نام داشت نویسنده آن بدرستی معلوم نیست. بطوریکه معروف است این داستانها بوسیله ۳۲ نفر دختر در مورد تخت سلطنتی راجابکر ماجیت که پس از مرگ او زیر خاک دفن شده بود و آن را بعداً راجابهوج در قرن یازدهم میلادی کشف نموده و میخواست بر آن بنشیند گفته شده است. سنگهاسن بتیسی که بنام «وگرم چرترا» نیز معروف است محبوبیت فراوانی در بین مردم هندوستان داشته و به چندین زبان محلی آن کشور ترجمه شده است. بفارسی نیز عده زیادی آن را برگرداندند و نسخ خطی تراجم متعدد فارسی آن در کتابخانه‌های مختلف جهان نگهداری میشود.

سنگهاسن بتیسی اولین بار بحکم جلال‌الدین اکبر شاهنشاه نامدار هندوستان در سال ۹۸۲ هـ ۱۵۷۴ م توسط عبدالقادر بدایونی بنام «خرد افروز» بفارسی ترجمه شده و در سال ۱۰۰۳ هجری مجدداً در آن تجدید نظر بعمل آمد.

عبدالقادر بدایونی مطالب مجموعه را از امتسک سانسکریت بوسیله شخصی براهن می‌شنید و مفهوم کلی آنرا یادداشت می‌کرد. اکبرشاه به این کتاب بسیار اظهار علاقه می‌نمود.

ترجمه دیگر سنگهاسن بتیسی در همان زمان سلطنت اکبرشاه بوسیله چیترا بهوج داس کایتی پسر مہرچند ساکن سونی بت بنام شاهنامه صورت گرفت (نسخه خطی آن در کتابخانه بودلین نگهداری میشود). ترجمه دیگر بوسیله بهاری مل پسر راج‌مل کپتری

در زمان سلطنت جهانگیرشاه در سال ۱۰۱۹ هـ ۱۶۱۰ میلادی بعمل آمد (نسخه خطی در کتابخانه دیوان هند لندن موجود است).

ترجمه دیگر بذریعه لبسپرای پسر هرکرنداس کالیسته قنوجی در زمان سلطنت شاه جهان (۱۰۶۱ هـ ۱۶۵۱ م) با تلفیق تراجم بهاری مل و چترابهوج صورت گرفت.

ترجمه دیگر در زمان سلطنت اورنگ‌زیب عالمگیر بوسیله کشن داس پسر ملوک باسودیوا چند تن بتنولی لاهوری بنام «کشن پلاس» انجام گرفته است (نسخه خطی آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است).

ترجمه دیگر بوسیله چادین مدهورام انجام پذیرفت (نسخه خطی در کتابخانه کپنهاگ).

ترجمه دیگر بنام «گل افشان» شد ۱۶.

ترجمه دیگر بوسیله سید امداد علی و شیوسهای کالیسته ساکن گلاوتپی ضلع بلند شهر در سال ۱۸۴۵ م برای مستر بیلی بعمل آمد ۱۷.

۱۲- جوگک بشست (Yogavasistha)

اثر والمیکی (Valmiki) سراینده رامایانا و شامل مطالب تصوف و عرفان بشکل مکالمه‌ای است که در بین رام چندر و رشی و ششت صورت گرفته است.

این کتاب با ارزش توسط علمای زمان سلطنت شاه جهان در سال ۱۰۶۶ هـ براهنمانی داراشکوه برادر اورنگ‌زیب عالمگیر بفارسی ترجمه شده است و رساله‌ای بنام اطوار در حل اسرار که ترجمه همین کتاب است بلامتارق‌المعرفة بار دوم در ۱۸ صفحه توسط مطبع نولکشور لکنهو در سال ۱۸۸۵ م بچاپ رسیده است.

از قول داراشکوه در مقدمه ترجمه آمده که وی

رام چندر و رشی و شست را در خواب می‌بیند و رشی از رام چندر خواسته تا داراشکوه را در آغوش بگیرد و باو شیرینی بدهد. پس از دیدن این خواب علاقه دارا بکتاب جوگک بشست بیشتر میشود و باآنکه ترجمه‌اش در زمان اکبرشاه بامر شاهزاده سلیم بوسیله نظام‌الدین پالنی پتی در سال ۱۰۰۶ هـ صورت گرفته بود از علمای

۱۶- به گفته ریو، ج ۱، ص ۲۳۰

۱۷- همو، ج ۳، ص ۱۰۰۶

عصر خویش می‌خواهد دوباره آن کتاب را بفارسی نقل کنند.^{۱۸}

میرابوالقاسم فندرسکی در مورد همین کتاب فرهنگی تهیه نموده است.

اطوار در حل اسرار چاپ نولکشور شامل ده طور میباشد و محتویات آنها بشرح زیر است:

طور اول در بیان تجرید، طور دوم در بیان آنکه عالم خیال محض است، طور سوم در بیان آزادی، طور چهارم در بیان جمعیت دل، طور پنجم در رفع خواهش (آرزو)، طور ششم در بیان نفس، طور هفتم در بیان معرفت حق، طور هشتم در بیان یافت نفس، طور نهم در بیان معرفت حال خود، طور دهم در کمال معرفت.

نسخه خطی ترجمه جوگ بشست در کتابخانه‌های متعدد جهان موجود است از جمله نسخه‌ای در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی (بشماره‌های ۱۴۵/۵۴/۵۸) و همچنین در کتابخانه عمومی لاهور نگاهداری می‌شود.

۱۳- پنچاتانترا (Pancatantra)

مجموعه داستان‌هایی است که بعنوان اثر ممتاز هند معروف جهان گشته و به اغلب زبانهای زنده و ارزنده گیتی بارها ترجمه شده است. روایات مختلفی در اطراف ماجرای مسافرت «برزویه» پزشک درباری انوشیروان عادل به هندوستان برای یافتن گیاه ابدیت رواج دارد. گفته میشود حکیم برزویه بامر انوشیروان به هندوستان رفت و در بازگشت داستان حیوانات را بعنوان ارمغان پرارزشی همراه خود آورد و بجای گیاه ابدیت آنها بشاه تقدیم داشت. ابن مقفع در مقدمه کتاب کلیله و دمنه باین اسم پنچاتانترا که از پهلوی عبری ترجمه کرد شرح مفصلی از سفر برزویه به هند نقل کرده است.

در داستانهای پنچاتانترا یا کلیله و دمنه از نثر و شعر استفاده شده و مخصوصاً پند و اندرز بصورت شعر بیان گردیده است. این داستانها بدو قسمت علم عقل معاش و اصول دینی مربوط است. منظور از این

داستانها نمودار کردن خوب و بد زندگی و رسیدن بدرجات عالی است در این داستانها خواص انسانی بحیوانات و پرندگان نسبت داده شده بزبان آنها مطالب اخلاقی شرح داده شده است.

در مورد ترجمه‌های فارسی پنچاتانترا (کلیله دمنه) دکتر ایندوشیکهر مترجم آن از سانسکریت بفارسی چنین مینویسد^{۱۹}

«ترجمه عربی پنچاتانترا منبع الهام برای شعرانی مانند رودکی و فردوسی بود. فردوسی فقط اشاره‌ای باین داستانها نموده و رودکی اشعاری درباره پنچا- تانترا سروده که تا باامروز محفوظ مانده است. مرگ نابهنگام رودکی باو فرصت نداد که تمام این داستانها را بشعر فارسی درآورد. ولسی کسی که توانست مجموعه کلیله و دمنه را بفارسی درآورد ابوالمعالی نصرالله بود که احتمالاً در سال ۳۹ - ۵۳۸ هـ / ۶۸ - ۱۱۶۵ م بوده است و گفته میشود که به بهرام شاه غزنوی تقدیم کرده است. راجع بزندگی وی اطلاعات زیادی در دست نیست جز اینکه او ساکن شیراز بود و برخی معتقدند که وی در غزنه میزیست.

ترجمه ابوالمعالی در انوار سہیلی و عیار دانش و مرزبان‌نامه ذکر شده است و علاوه برآن تالیفات و ترجمه‌های زیر از این کتاب بزبان فارسی وجود دارد:

۱- ترجمه منظوم رودکی

۲- ترجمه منثور ابوالمعالی نصرالله که در قرن ششم هجری صورت گرفت.

۳- ترجمه منظوم احمد بن محمود قانع طوسی بنام مشنوی کلیله و دمنه در سال ۶۱۸ هـ / ۱۲۲۱ م

۴- تہذیب ملا حسین واعظ کاشفی بنام انوار سہیلی.

۵- جاویدان خرد

۶- عیار دانش تالیف منثور ابوالفضل غلامی که در سال ۹۹۶ هـ ترجمه و بسال ۱۸۷۹ م در چاپخانه نولکشور چاپ شده است.

۷- نگار دانش اختصار عیار دانش که چندین بار در هندوستان از جمله بسالهای ۱۸۶۸، ۱۸۷۳،

۱۸- مقاله پروفیسور سید امیرحسن عابدی مجله هنر و مردم وزارت فرهنگ و هنر تهران شماره ۸۷/۸۶ ص ۶

۱۹- پنچاتانترا تالیف دکتر ایندوشیکهر چاپ دانشگاه تهران صفحه ۲۰

۱۸۸۸، ۱۸۹۸ میلادی در لکنهو بچاپ رسید

۸- اخلاق سیاسی پنجالیانه ترجمه پنجاتانترا که بامر اکبرشاه بوسیله مصطفی خالق داد عباسی بعمل آمد. نسخه خطی آن بشماره ۶۲۱۰۰۵ در موزه دهلی نو نگهداری می‌شود.^{۲۰}

۹- اخلاق اساسی.

۱۰- گلشن‌آرا تألیف میرزا عبدالوهاب ایرانیپور مدیر روزنامه اختر مسعود.

۱۱- شکرستان یا منظومه انوار سهیلی تألیف خسرو دارائی نواده فتحعلی‌شاه

۱۲- رای و برهن یا کلیله و دمنه منظوم تألیف آقای جهانبخش جمهری در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

۱۳- ترجمه منثور دکتر ایندوشیکر استاد سابق سانسکریت در دانشگاه تهران که از طرف دانشگاه تهران بسال ۱۳۴۱ بچاپ رسید.

۱۴- شنکرا بهاشیا (Sankara Bhasya)

شخصی بنام شانکرا (Sankara) درباره کتاب سانسکریت بنام براهما سوترا (Brahma Sutra) نگارش بداریانا (Badarayana) تفسیری بعنوان شنکرا بهاشیا نوشته بود. همین تفسیر که بزبان سانسکریت بود در قرن نوزدهم میلادی بوسیله لکشمی نراین بفارسی منثور ترجمه شد. لکشمی نراین ترجمه فارسی‌اش را «حدایق‌المعرفة» نامید. نسخه خطی این ترجمه در کتابخانه عمومی لاهور موجود است.^{۲۱}

۱۵- شارق‌المعرفة

از فیضی فیاضی در دوازده لعه و آن در شرح فلسفه وادهاست و مستند است بماخذهای معروف از کتب سانسکریت بخصوص به «بگوو پورانا» و «یوگا» و امیشته» و نظایر آنها. این کتاب بشکل مناظره و مکالمه‌ای است بین واسیشته و رامچندرا و از اصول عرفان هند بحث میکند.

بموجب حکم اکبرشاه بوجه تلخیص بفارسی نقل شد (نسخه‌های خطی در کتابخانه دیوان هند (لندن)

و دانشگاه کمبریج). توسط نولکشور لکنهو بار دوم در سال ۱۸۸۵ م ۱۳۰۳ ه انتشار یافت.

کتابی که ترجمه فارسی آن بشارق‌المعرفة نام گرفت منظوم و از آثار ویاس (Vyasa) سراینده مهابهاراتا بوده است.

۱۶- رام‌گیتا (Rama Gita)

کتابی شامل ۱۱۶ صفحه که محتوی چهار رساله است از طرف مطبع نولکشور لکنهو بسال ۱۳۰۳ ه ۱۸۸۵ م بچاپ رسیده رساله سوم آن رام‌گیتاست. در صفحه ۱۱۵ آن کتاب عبارت زیر در معرفی این رساله بچشم میخورد:

«و رساله سوم مسمی به رام‌گیتا که سراپا از مضامین معرفت و توحید و رموزات و مکنونات آن منو است از تلخیص مضامین این رساله است تنویر شمع مکالمه سری مهادیوجی با «پاربتی» بزبان تلقین و ارشاد و در روشنگری احوال خداوند صورت و معنی و پادشاه ظاهری و باطنی سری را مچندرجی که با برادر خود سری لچهنجی از حقایق و معارف بزبان فیض ترجمان افاده فرموده.

۱۷- حجة‌الیهند

در فهرست کتب فارسی مکتبه مشرقیه (اسلامیه کالج) دانشگاه پیشاور (پاکستان) در صفحه ۲۶۳ کتابی بنام حجة‌الیهند بعبارت زیر معرفی گردیده است:

«صغیرالحجم درنثر فارسی. نام مصنف نامعلوم. در دیباچه گفته شده است بحکم راجارای کرن والی گجرات این کتاب از سانسکریت بفارسی ترجمه شده و در آن در ضمن گفتگوئی در بین طوطی و درنا در باب ماهیت بت‌پرستی و بدیهای آن و مسائل و روایات دیگر اسلام سخنی بمیان آمده است.

۱۸- مرآة‌المخلوقات

ترجمه فارسی از کتاب سانسکریت شامل مکالمه‌ای بین مهادیوا و پاروتی پیرامون آفرینش جهان

۲۰- مقاله پروفیسور سیدحسن عابدی بعنوان «برخی از منابع نادر و ناشناخته فارسی» مجله فرهنگ و هنر شماره ۸۶/۸۷

۲۱- ادبیات فارسی مین هندون کاحصه از دکتر سید عبدالله ص ۲۱۵

و ساکنان آن باضافه نظرات اسلامی در آن مورد که بوسیله عبدالرحمن پسر عبدالرسول چشتی رد ولوی متوفی ۱۰۹۴ هـ انجام گرفته است. نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه بمبئی موجود است^{۲۲}.

۱۹- هتوپدلیشا (Hitopadesha)

متن سانسکریت شامل داستان‌های دل‌انگیز و نصایح سودمند و مطلوب. مأخوذ از کلیله و دمنه و دارای چهار باب به شرح زیر میباشد:

۱- درباره دوستی ۲- جدائی از دوستان ۳- راههای پیروزی در جنگ ۴- آشتی. در زمان دودا- چندرا (Dhavada Chandra) بوسیله شخصی بنام نراین پاندیت در قرن چهاردهم میلادی نگارش یافته است^{۲۳}.

ترجمه فشرده آن بنام مفرح القلوب بوسیله مفتی تاج- الدین پسر معین‌الدین الملکی بزمان نصیرالدین شاه‌بهار صورت گرفت.

مفرح القلوب چندین بار در هندوستان بچاپ سنگی رسید. در بعضی از نسخ خطی اسم مترجم تاج- الغنی، تاج ملکی و تاج‌الدین مفتی الملکی نیز داده شده و اسم مربی او «ملك الشرق والمغرب نصرالدوله والدین مقطع شق بهارادیم‌الله تعالی» بیان گردیده است. ترجمه اردوی مفرح القلوب بنام اخلاق هندی توسط میربهادر علی حسینی انجام و بسال ۱۲۱۸ هـ در کلکتیه چاپ شد.

۲۰- شیوپران

مترجم: کش چندکپتری سالکوتی، نسخه خطی شامل ۳۷۰ صفحه در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی (بشماره ق ف ۵۶) نگهداری میشود.

۲۱- سوگاشپتتی (Shuka Saptati)

اثر سانسکریت از چنتامنی‌بات(?) بنام طوطی- نامه بوسیله خواجه ضیاالدین نخشبی بدیوانی متوفی ۷۵۱ هـ. در سال ۷۳۰ هـ. بفارسی ترجمه شد. این

۲۲- فهرست کتب دانشگاه بمبئی نگارش خان‌بهادر سرفراز ص ۱۳۴

۲۳- سبک شناسی ملك الشعرا بهار جلد سوم ص ۲۶۰

۲۵- جاحظ، کتاب‌الحيوان جلد هفتم صفحه ۶۵

طوطی‌نامه شامل پنجاه و دو افسانه است و اصل آن بسانسکریت دارای هفتاد افسانه بوده است.

ترجمه خواجه نخشبی بعبارت سخت و دشواری نوشته شده بود لذا جهت عام فهم ساختن آن شاید در قرن دهم هجری^{۲۴} سید محمد خداوند قاری باصلاح و تهذیب آن پرداخت. او هر حکایتی را که نامربوط بود ربط داد و بعضی از حکایات را بحکایاتی دیگر تبدیل نمود، هر حکایتی را باشعار خویش مرصع کرد و باشعار دیگران نیز تمثل جست. خلاصه اینکه طوطی- نامه پیراسته قادری هم ترجمه است و هم تهذیب و تألیف. طوطی‌نامه چندین بار در هندوستان و ایران و افغانستان بچاپ رسیده و بترکی و اردو نیز ترجمه شده است.

محمد داراشکوه نیز طوطی‌نامه را تهذیب نموده و بعبارت ساده‌تری نوشته این کتاب با حروف سربی نستعلیق با ترجمه انگلیسی بسال ۱۸۰۱ میلادی در لندن بچاپ رسیده است.

۲۲- کتاب‌السموم

تألیف چاناکا وزیر معروف چندراگپتاموریا (۲۹۸ - ۳۲۲ پیش از میلاد). شخصی بنام «ماناکا» فیلسوف و طبیب هند که در قرن هشتم میلادی بدعوت هارون‌الرشید جهت مداوای مرضی از هند به بغداد رفته بود برای یجیی پسر خالد برمکی وزیر سلطان مغولان (۱۷۷-۱۷۰ هـ) از سانسکریت به فارسی ترجمه کرد^{۲۵}.

تألیف کتاب عیون‌الانباء فی طبقات الاطباء تألیف ابن ابی اصیبه (جلد دوم ص ۳۳) ذکری از کتاب‌السموم آمده است.

۲۳- راج‌ترنگینی (Rajatarangini)

هندوان از ابتدای تاریخ توجیهی بعلم تاریخ نکردند و در نتیجه کتابی ارزنده در این زمینه از آنان بسانسکریت بیادگار نمانده است. تاریخ‌نویسی را در هند مسلمانان آغاز کردند. اولین کتابی که میشود

آنرا تاریخی بزبان سانسکریت قبول کرد راج ترنگینی است که شامل سرگذشت شاهان کشمیر میباشد و آنرا در وسط قرن دوازدهم میلادی شخصی بنام کلن پاندیت تالیف نموده است (کلن ۵۲ پادشاه را بعنوان شاهان بد معرفی کرده و جای تعجب است اشوکا سرچشمه افتخارات هند را نیز جزو آنها قرار داده است). راج ترنگینی بنام بحرالاسماء بوسیله ملا احمد کشمیری بفارسی ترجمه شد و مجدداً بحکم اکبرشاه توسط مولانا شاه محمد شاه آبادی بفارسی برگردانیده شد و انتخاب آن در سال ۹۹۹ هجری بوسیله شیخ عبدالقادر بدایونی بعمل آمد.

ناراین کول عاجز راج ترنگینی را بفارسی نقل کرد و نام آنرا تاریخ کشمیر گذاشت. حیدر ملک چدوره پسر حسن ملک براساس راج ترنگینی یا راج-ترنگی تالیفش را بنام تاریخ کشمیر تهیه نمود. بهارستان شاهی نیز از همین کتاب سرچشمه گرفته است.

۲۴ - تاجیکا (Tajika)

تاجیک اثر نیل کانتها (Nilkantha) کتاب معتبری است در علم نجوم در زمان اکبرشاه بوسیله مکمل خان گجراتی بفارسی ترجمه شده است.

۲۵ - لیلوتی (Lilavati)

اثر بهاشکاراچاریا (Bhaskaracharya) است سانسکریت در فن ریاضی و هندسه. او بسال ۱۱۱۴ میلادی در شهر بیدر (دکن هند) متولد شد. کتاب «سید هانته سرومنی» نیز که در نجوم کتاب معتبری بشمار میرود و جزو کتب درسی این علم بشمار می رود از اوست و آنرا در سال ۱۱۵۰ میلادی تالیف نموده است.

بهاشکاراچاریا کتاب لیلوتی را با کمک عده ای از علمای نجوم و ریاضیات تهیه کرده و آنرا بنام دخترش نامیده است. این کتاب راکول بروک از سانسکریت بانگلیسی ترجمه کرده و بسال ۱۸۱۷ در لندن بچاپ رسانیده است. ترجمه کول بروک همراه

با متن اصلی سانسکریت آن و اضافات بقلم اچ. سی. بینزجی در سال ۱۹۲۷ در کلکته انتشار یافت. ترجمه فارسی لیلوتی بوسیله فیضی فیاضی در سال ۹۹۵ ه. برابر ۱۵۸۷ م. در عهد اکبرشاه بعمل آمد و در ۱۵۸ صفحه بسال ۱۷۲۷ م در کلکته بچاپ رسید. بدایع-الفنون رساله ای در ریاضی که اساس آن بر لیلوتی قرار گرفته و حکم تفسیر آنرا داشت بوسیله دهرم ناراین تهیه و باورنگ زیب تقدیم شد.

۲۶ - بلوهر و یوزاسف (Bluhar & Yuzasaf)

داستان بودائی است و اسم بومی آن بلرام و بودلیستو (Balram & Buddhisatva) میباشد.

این داستان در قرن ششم یا هفتم میلادی از هند بایران برده و به پهلوی برگردانیده شد و پس از آن به سریانی، عربی، فارسی، یونانی، لاتینی و زبانهای دیگر نیز ترجمه گردید. قسمتی از کتاب عین الحیات اثر ملا محمد باقر مجلسی متضمن ترجمه آنست. سید نجف علی فیض آبادی اثر مجلسی را در ۱۶۷۵ بیت بعنوان نظم جواهر منظوم ساخته و یگانه نسخه خطی آن متعلق به آقای خورشید انور وکیل دادگستری مقیم رانچی (بهار) میباشد ۲۶.

۲۷ - دلایل فیروزشاهی

ترجمه منظوم از کتابی بسانسکریت حاصله از کتابخانه نگرکوٹ که فیروزشاه تغلق در سال ۷۷۲ ه. مطابق با ۱۳۶۰ م. بر آن حمله کرد و پیروز گردید. فیروزشاه تغلق پس از پیروزی بر شهر مزبور از معبدی بنام جوالانکپی ۱۳۰۰ جلد کتاب خطی سانسکریت بدست آورده بود. کتابی که بوسیله عزالدین خالد خانی یکی از شاعران و منشیان عصر فیروزی با همکاری عده ای از علمای هند در فارسی منظوم ترجمه شد درباره صعود و هبوط سیارات سبعة و نحوست آنها و تقال و شگون بوده است. عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ دلایل فیروزی را در لاهور بسال ۱۰۰۰ ق دیده و مطالعه کرده است.

این داستانرا بیاد مربی خود به سال ۱۰۹۶ ه مطابق ۱۶۸۵ م بنام مثنوی دستور همت بنظم کشید. همین مثنوی محمد مراد بوسیله تحسینالدین در سال ۱۱۷۰ ه (۱۷۵۶ م) بزبان دکنی ترجمه گردید. و اسمش کامروپ وکلا کام گذاشته شد ۲۸.

۳۲ آتماویلاسا (Atma Vilasa)

اتماویلاسا تالیف «شنکاراچاریا» بوسیله چند زبان سکسینه «بنام نازک خیالات از سانسکریت بفارسی ترجمه و با مقدمه ای از منشی موهن لال کارمند مهاراجا رنجیت سینگ در مطبع آنند لاهور انتشار یافت.

۳۳ کشن سداما (Kishana Sadama)

نسخه خطی ترجمه فارسی کشن سداما در ۲۶ صفحه در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی بشماره ۳ ق ف ۱۷۸ نگهداری میشود. این نسخه در سال ۱۲۳۰ هجری قمری کتابت شده است.

۳۴ بهکت مالا (Bhagata Mala)

در کتابخانه دولتی لاهور ترجمه فارسی از کتاب سانسکریت بهکت مالا موجود است. منشی نتهن لال بهجت این کتاب را در قرن نوزدهم میلادی ترجمه کرده است ۲۹.

۳۵ تودور آنند (Todor Ananda)

منسوب به پراجا تودرمل. ترجمه فارسی آن بنام «خازن اسرار» صورت گرفته است. نسخه خطی آن بفارسی در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری میشود ۳۰.

۳۶ راماشمیده (Rama Svamedha)

شامل شرح حال «راما» در قرن نوزدهم میلادی مکنن لال ظفر که مترجم چندین کتاب است را ماشمیده

۲۸- امرت کند (Amrita Kunda)

کتابی در علم یوگا و عقاید مذهبی و فلسفی سانسکریت بود و ترجمه فارسی آن در زمان علی مردان خلجی که از سال ۱۲۰۹ الی ۱۲۱۰ ه در بنگال حکومت داشت بوسیله قاضی رکن الدین سمرقندی بعمل آمد. ترجمه فارسی امرت کند اولین کتابی است که در بنگال بفارسی نگارش یافت. قاضی رکن الدین ترجمه فارسی این کتابرا به عربی نیز نقل کرد ۲۷.

۲۹- پر بوده چندراودی

کتابیست سانسکریت در تصوف و عرفان بصورت شش داستان اثر کرشن داس بات بوسیله نبوالی جی متخلص به ولی بفارسی ترجمه شده است. همین ترجمه بسال ۱۲۹۴ م در ۸۷ صفحه بوسیله مطبع نولکشور- لکنهو انتشار یافت.

۳۰- پر بهات کاتها (Prihat Katha)

در کتابخانه مرکزی دولتی حیدرآباد دکن ترجمه فارسی پر بهات کاتها (بشماره ۲۶۴۲ - تاریخ نگهداری میشود.

در زمان سلطنت اکبر شاه (۵۵۶ - ۱۶۰۵ میلادی) این کتاب را مصطفی خالقداد عباسی از سانسکریت بفارسی ترجمه کرده و آنرا دریای اسمار اسم گذاری کرده است.

۳۱- کامروپ و کام (Kamrup & Kawalata)

داستان معروفیست و بوسیله اشخاص متعددی از سانسکریت بفارسی منظوم ترجمه شده است. نخست آنرا میر محمد کاظم حسین کریم که در استخدام سلطان عبدالله قطب شاه (۱۰۳۵ - ۱۰۸۳ ه / ۱۶۲۶ - ۱۶۷۲ میلادی) پادشاه گولکنده بود به فارسی سرود. پس از آن میرمنشی همت خان که در زمان اورنگزیب (۱۶۸۵ - ۱۷۰۷ میلادی) بسر میبرد آنرا نوشت و بعد از وفاتش ملازم وی که محمدمراد نام داشت

۲۷- ثقافت پاکستان (اردو) مرتبه شیخ محمد اکرام صفحه ۱۹۹ چاپ اداره مطبوعات پاکستان

۲۸- اردو کی نثری داستانین مولفه دکتر گیان چند چاپ انجمن ترقی اردو صفحه ۲۱۰

۲۹- صفحه ۲۱۵- کتاب ادبیات فارسی بین هندون گاحصه چاپ لاهور.

۳۰- صفحه ۳۷- همان کتاب

را از سانسکریت بفارسی ترجمه کرده و ترجمه‌اش را «جهان ظفر» نامیده است. نسخه خطی آن در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.^{۳۱}

۳۷ وِجه گنیتا (Bija Ganita)

رساله‌ایست بسانسکریت در جبر و آنرا بها-شکاراچاریا تألیف نموده بود. ترجمه فارسی آن در سال ۱۰۴۴ هجری مطابق با ۱۶۳۴ میلادی بوسیله عطاءالله (رشیدی) پسر احمد نادر انجام پذیرفت. ترجمه فارسی عطاءالله توسط یکنفر انگلیسی‌بنام ای-استراچی در سال ۱۸۱۳ میلادی در لندن نقل گردیده است.

۳۸- سنگیتادربن (Sangita Darpana)

رساله‌ایست در فن موسیقی هند بسانسکریت و بنام «غنیته‌المنیة» بفارسی ترجمه شده است.

۳۹ راگت دربن (Raga Darpana)

کتابیست بسانسکریت شامل مطالبی پیرامون موسیقی هندی. بوسیله فقیراله سیف خان بفارسی ترجمه شده.

۴۰ دهرپدس (Dhurnsada)

از آثار بخشاوا (Bakhshava) گوالیماری است که در مورد الحان موسیقی هند بسانسکریت نگارش یافته. ترجمه آن بفارسی بنام راگهای هندی بعمل آمد.

۴۱- پاريجاتاكا (Parijataka)

کتابی درباره موسیقی و رقص هندی بسانسکریت در زمان سلطنت اورنگزیب (متوفی ۱۷۰۷ میلادی) بوسیله میرزا روشن ضمیر بنام «ترجمه پریجتکا» بفارسی نقل گردیده است.

۴۲- خیل نامه یا فرسنامه

کتابی در علاج اسب‌ان بسانسکریت بخواست سلطان محمود بیگرا بوسیله زین‌العابدین کربلائی

۳۱- صفحه ۲۱۵- همان کتاب

معروف به هاشمی بفارسی ترجمه گردید. نسخه خطی آن با تصاویر مختلف و جالب در موزه وزارت اطلاعات کراچی موجود است.

۴۳- بهگت ساگر

در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی نسخه خطی فارسی بشماره ۱ ق ف ۵۷ بنام ترجمه بهگت ساگر نگهداری می‌شود. در فهرست کتابخانه مزبور «رای هیبت رام» مصنف بهگت ساگر معرفی شده است.

۴۵- راحة الفرس

در موزه بریتانیا (لندن) نسخه خطی مصور فارسی از کتاب راحة الفرس بشماره‌های ۱۱۱۹۱۸/۵۷۶۲/۶۷۰۴ نگهداری می‌شود. این کتاب ترجمه کتابی بسانسکریت است.

۴۶- اگادامهاویدیاکا (Agada-Mahavaidyaka)

کتابیست بسانسکریت در علم طب و معالجات هندی. این کتاب در زمان حکومت سکندر لودی پادشاه دهلوی بوسیله بهواوت خان (Bhuawat Khan) بنام طب سکندی یا معدن‌الشفای سکندر شاهی بفارسی ترجمه شده است.

۴۷- پنچاسدهیان‌تکا (Panchasidhyantika)

اثر وراهامهیرا (Varahamihira) در علم نجوم هند بسانسکریت بوسیله شمس سراج عقیف بنام «ترجمه برهمنی» بفارسی نقل گردید.

۴۸- مدومالت منوهر

نسخه خطی فارسی که ترجمه‌ایست در فهرست کتابخانه آستان قدس مشهد (ایران) جلد هفتم بشماره ۴۹۴۵ بعنوان داستان منظومی معرفی شده است این داستان سانسکریت را ظهیر کرمانی بسال ۱۱۶۲ هـ بنام مجمع‌البحرین سروده است.

۴۹- ادبیات پورانا (Puranas)

از جمله شیواپورانا (Siva Purana) که در آن درباره شیوا و شیوااازم بحث شده است.

باگوتاپورانا (Bhagavata Purana) متضمن مطالبی پیرامون بهکتی مہماویشنوپورانا شامل مطالب و بحثهایی در مورد ولیشنویکی از خدایان سه گانه هندوان و اسکنداپورانا که مربوط به شیواست بفارسی ترجمه شدند.

۵۰ خوب ترنگ (Khub Tarang)

شیخ کمال محمد کتابی بسانسکریت که شامل مطالب فقه و فلسفه اسلامی بود بنام خوب ترنگ بفارسی ترجمه کرد.

۵۱- تیرتامہاتمیا (Tirtha Mahatmya)

کتابی بسانسکریت درمورد جاهای مقدس هندوان بنام تیرتامہاتمیا بوسیله روب نارامین سرہری ناراین ہکتیری سیالکوتی بفارسی ترجمه گردیده و ترجمه آن بنام مخزن العرفان نامیده شد تاریخ ترجمه آن سال ۱۱۲۹ هجری میباشد ۳۲.

۵۲- کتہاسریت ساگر (Katha Sarit Sagara)

مجموعه ای از داستان های سانسکریت اثر سومادیوا Somadeva که ترجمه تحت اللفظی آن دریای داستانها میباشد بوسیله شیخ فیضی بفارسی ترجمه شده نسخه خطی منحصر بفرد آن در کتابخانه دیوان هند (لندن) نگهداری میشود ۳۳.

۵۳- ہری ولسا (Hari Vamsa)

کتاب سانسکریت کہ نوعی تکملہ مہاماہارانا است و از آثار ویاس (Vyasa) میباشد بوسیله مولانا شیریں در زمان جلال الدین اکبرشاه بفارسی ترجمه شده است. اسم فارسی آن «ہربنس پورانا» است. نسخه

خطی آن در کتابخانه دیوان هند (لندن) موجود است ۳۴

۵۴- اتہاربن (Athar Ban)

بوسیله چند نفر در زمان اکبرشاه بسانسکریت بفارسی ترجمه شد ولی ناقص و بطور ناپسندیدہ ای. در ابتدا اکبرشاه از عبدالقادر انجام ترجمہ ای را خواست بہاون براہمن نومسلم پیش عبدالقادر اتہاربن را میخواند و معنا میکرد و او مطالب را یادداشت میکرد ولی متن کتاب خیلی مشکل بود و بنابر این درست و حسابی بفارسی نقل نگردید. بعد از آن اکبر از فیضی خواست آنرا ترجمه کند اما بالاخرہ شیخ ابراہیم سرہندی ترجمه این کتاب را بعہدہ گرفت و در راه انجام کار نہایت سعی را بکار برد ولی متأسفانہ نتایج سعی او نیز نامشکور ماند و موردپسند اکبر واقع نشد.

۵۵- بتیال پچیسسی (Batial Pachisi)

مجموعہ ۲۵ داستانہست کہ انی بہ مہاراجا بکر مادیتہ (در قرن چہارم میلادی) گفته و در آن اقبالمندی و سطوت وی ذکر گردیدہ است و در ضمن اشاراتی بہ تمدن دو ہزار سال پیش اہالی ہندوستان بعمل آمدہ است. در این داستانہا کہ منعکس کنندہ اوضاع اجتماعی عموم مردم و شکوہ راجگان قدیم ہند میباشد بہ ہمین علت آنہا از نظر علاقمندی بتاریخ اجتماعی آنکشور نیز اہمیت بسزائی دارد اندرزہای سودمندی در مورد زندگانی و جہانبانی گنجانیدہ شدہ است. عالمگیر متوفی ۱۷۰۷ میلادی بوسیله راج کرن بفارسی ترجمہ شدہ و مترجم نام آنرا تحفۃ المجالس گذاشتہ است. نسخہ خطی تحفۃ المجالس مرقومہ سال ۱۱۰۳ ہ در کتابخانہ انجمن ترقی اردو کراچی بشمارہ ۳ ف ق - ۱ نگهداری میشود.

۳۲- همان کتاب ص ۱۱۹

۳۳- تاریخ ادبیات نگارش ہرماناہ ترجمہ دکتر رضا زادہ شفق چاپ ہنگاہ ترجمہ و نشر کتاب تہران ص ۲۷۸

۳۴- ایضاً